

رویکرد انحرافی در تفسیر قرآن

علی نقی خدایاری*

چکیده: رویکرد انحرافی در تفسیر قرآن، سابقه طولانی در میان مفسران دارد، تا آنجا که حتی به صدر اسلام می‌رسد. این گونه تفسیر، نظام دلالت‌های واژگانی قرآن را به هم می‌زند و ضلالت را به نام قرآن رواج می‌دهد. از منظر روش‌شناسی، عواملی برای این رویکرد برشمرده‌اند، که به خود قرآن، ویژگی‌های مفسر یا روش تفسیری او برمی‌گردد. مخالفان قرآن، و نیز فرقه‌هایی همچون غالیان، باطنیه و...، عرفا، روشنفکر نمایان و خاورشناسان، نمونه‌هایی از رویکرد انحرافی را در آثار خود عرضه کرده‌اند.

کلید واژه‌ها: رویکرد انحرافی در تفسیر قرآن / تفسیر الحادی / روش تفسیری صحیح / فرقه‌های باطل / عرفان و تفسیر عرفانی / تأویل حسی از قرآن / خاورشناسان و قرآن.

۱. درآمد

قرآن کریم از زمان نزول تا کنون، موضوع شرحها و تفسیرهای گوناگون بوده است. تفاسیر نگاشته شده - با گستردگی فراوان خود - و نمایانگر طیف وسیعی از گروه‌های فکری و معرفتی جهان اسلام است که به تفسیر قرآن دست یازیده‌اند. جایگاه والای قرآن در میان مسلمانان موجب گشته که همه اشخاص و گروه‌های موجود در جهان اسلام، برای دفاع از باورها و اعتقادات خود، به قرآن کریم استناد جسته و برداشتهای خود را از کتاب آسمانی عرضه کرده‌اند. تفاسیر موجود، از لحاظ مبانی، منابع تفسیر، روش تفسیری (منهج تفسیری) و گرایش یا رویکرد تفسیری (اتجاه تفسیری) تنوع و اختلاف بسیار دارند، و طبعاً از ارزش و اعتبار یکسان برخوردار نیستند. اختلاف برداشت از قرآن کریم در مواردی چنان است که مفسری در راستای مشرب فکری و مذهب اعتقادی خود، تفسیری از آیه‌ای ارائه داده، در حالی که گروه مخالف نیز

* - دانشجوی دوره دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه امام صادق علیه السلام.

در نقد و ردّ وی به همان آیه استدلال کرده‌اند.

پدیده قابل توجه در تاریخ تفسیر قرآن، وجود برخی رویکردهای انحرافی در تفسیر است که رهاوردهای تفسیری آنها، با ماهیت احکام و آموزه‌های قرآن و مسلّمات دینی در تضاد است. در شناسایی رویکرد انحرافی توجه به این نکته ضروری است که در ردیابی این رویکرد، نباید تنها به سراغ آیات و سوره تفسیر شده رفت. چرا که در موارد بسیاری، احکام، آموزه‌ها و مفاهیم قرآنی دچار تفسیر انحرافی گشته است.

۲. پیشینه بحث

در قرآن کریم، از برخی از بنی اسرائیل سخن رفته که اقدام به تغییر و تحریف کتاب آسمانی خود می‌کردند: «قد کان فریق منهم یسمعون کلام اللّٰه ثمّ یحرّفونه من بعد ما عقلوه؛ (بقره، ۷۵: ر.ک. نساء، ۴۶؛ مائده، ۱۳ و ۱۴) گروهی از آنان سخنان خدا را می‌شنیدند، سپس آن را بعد از فهمیدنش تحریف می‌کردند.»

همچنین از کسانی که «الحاد در آیات خدا» می‌کنند نکوهش شده است. «إنّ الذین یلحدون فی آیاتنا لا یخفون علینا؛ (فصلت، ۴۰)؛ کسانی که در [فهم و ارائه] آیات ما کجروی می‌کنند، بر ما پوشیده نیستند.» امین الاسلام طبرسی، تصریح کرده که مراد از الحاد در این آیه، تأویل و برگرداندن آیات قرآن از مسیر صحّت و درستی است. (طبرسی، جوامع الجوامع، ج ۳، ص ۲۷۰) در آیه‌ای، از مسلمانانی سخن رفته که قصد «تبدیل کلام الهی» را دارند. (فتح، ۱۵) از آیات مهم قرآن کریم که به بحث ما ارتباط دارد، آیه هفتم سوره آل عمران است. در این آیه ضمن تقسیم کردن آیات قرآن به محکّمات و متشابهات، تأکید شده که بیمار دلان در طلب فتنه و تأویل (ناروا)، آیات متشابه قرآن را دنبال می‌کنند.

در احادیث معصومان نیز ردّ پای تفسیر انحرافی به روشنی می‌توان یافت. در سخنان معصومان علیهم‌السلام از مفاهیمی مانند تفسیر به رأی، تأویل ناروا و تحریف معنوی آیات سخن رفته و با آسیب‌شناسی تفسیر قرآن، از امور یاد شده به شدّت پرهیز داده شده است.

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم خطاب به امیرمؤمنان علیه‌السلام فرمود: «یا علی! همانا هدایت، تبعیت از دستور خداست نه پیروی از هوا و رأی. و گویا تو با قومی مواجه خواهی شد که قرآن را تأویل

و از آن حضرت است: «انّ منکم من یقاتل بعدی علی التأویل کما قاتلت علی التّنزیل؛» (کلینی، کافی، ج ۵، ص ۱۱؛ صدوق، خصال، ص ۲۷۵). از شما کسی هست که پس از من برای تأویل قرآن نبرد می‌کند، همچنانکه من بر تنزیل جنگیدم.»

از دو حدیث یاد شده، چنین برمی‌آید که نبرد امیر مؤمنان علیه السلام با گروه‌های سه گانه ناکثین، قاسطین و مارقین در راه تأویل صحیح قرآن بوده است. حضرت امیر علیه السلام در نامه خود به معاویه نوشت: «فعدوت علی طلب الدنیا بتأویل القرآن؛» تو با تأویل قرآن در پی دنیا تاختی.» (نهج البلاغه، نامه ۵۵)

امام صادق علیه السلام ماجرای خود را با مردی مقدس مآب نقل می‌کند که دزدی می‌کرد و مال دزدیده را صدقه می‌داد و با تأویل کریمه «من جاء بالحسنة فله عشر أمثالها و من جاء بالسيئة فلا يجزي إلا مثلها» (انعام، ۱۶۰) گمان می‌کرد که از چهل حسنه برخوردار شده و با کسر چهار سیئه دزدی، سی و شش حسنه برای او باقی خواهد ماند. امام علیه السلام پس از آن فرمود: «بمثل هذا التأویل القبیح المستکرة یضلّون و یضلّون؛ با چنین تأویل زشت و ناپسندی گمراه می‌شوند و دیگران را گمراه می‌کنند.» سپس حضرت در بیان کلام خویش فرمود: «طوبی للذین هم کما قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم یحمل هذا العلم من کلّ خلف عدوله، و ینفون عنه تحریف الغالین و انتحال المبطلین و تأویل الجاهلین.» (صدوق، معانی الاخبار، ص ۳۵).

در روایتی نیز آمده است که شخصی طی نامه‌ای به امام علیه السلام نوشت: سخنانی [اغراق آمیز] درباره شما و فضایل گفته می‌شود و افرادی با تأویل آیات «انّ الصلاة تنهی عن الفحشاء و المنکر» (عنکبوت، ۴۵) و «أقیموا الصلاة» (بقره، ۴۳) می‌گویند: مراد از نماز، مردی است، نه رکوع و سجود. مراد از زکات نیز همان مرد است، نه چند درهم پول و پرداخت آن. اینها به همین شیوه، سایر واجبات و مستحبات و در مقابلش، گناهان را تأویل می‌کنند. حضرت در پاسخ فرمود: «این دین ما نیست. از آنان کناره گیری کن.» (کشسی، رجال، ج ۲، ص ۸۰۲، ش ۹۹۴؛ ر.ک. ص ۸۰۳، ش ۹۹۵) (۱)

فیه شماره ۱



۱ - امام صادق علیه السلام در نامه‌ای مفضل به جناب مفضل بن عمر، در این زمینه حقایقی را بیان فرموده‌اند. ر.ک. بصائر الدرجات ص ۵۲۶ - ۵۳۶ جزء ۱۰، باب ۲۱، حدیث ۱؛ بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۲۸۶ - ۲۹۸؛ همچنین: بیان میرداماد در بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۲۹۹ - ۳۰۰؛ بیان علامه مجلسی در مشکوة الانوار، ص ۷۷ - ۸۱.

از نویسندگان معاصر علوم قرآنی اهل تسنن، دکتر حسین ذهبی فصلی از کتاب خود را به « تفسیر الحادی » اختصاص داده و ضمن بررسی زمینه‌ها و انگیزه‌های تفسیر الحادی، نمونه‌هایی از این گونه تفسیر را به دست داده است. (التفسیر و المفسرون، ج ۲، ص ۵۵۲ به بعد)

پس از وی فهد رومی در « اتجاهات التفسیر فی القرن الرابع عشر »، فصلی را به گرایش‌های انحرافی در تفسیر و معرفی نمونه‌های تفسیر الحادی اختصاص داده است. (رومی، اتجاهات التفسیر، ج ۳، ص ۱۰۶۵). در میان نویسندگان شیعی علوم قرآنی نیز، آقای کمالی دزفولی بحثی را در این زمینه مطرح کرده است. (کمالی، شناخت قرآن، ص ۴۵۱ به بعد)

همچنین نویسنده « تفسیر و مفسران » دو بحث « شیوه سیاسی انحرافی » و « شیوه عقلی افراطی » را مطرح کرده، و در موضوع اخیر نمونه‌هایی از تفاسیر انحرافی سید احمد خان هندی در کتاب « تفسیر القرآن و هو الهدی و الفرقان » وی یاد کرده است. (تفسیر و مفسران، ج ۲، ص ۵۰۸-۵۰۹)

۳. پیامدهای تفسیر انحرافی

تفسیر انحرافی، صرف نظر از اینکه از سوی چه فرد یا گروهی عرضه شود، پیامدهای منفی متعدد داد و موجب پیدایش فتنه، آشوب و گمراهی در جامعه دینی می‌گردد.

نکوهشها و هشدارهای فراوان قرآن و روایات درباره تفسیر به رأی و تأویل ناروا، نشانگر عمق و گستردگی آثار و پیامدهای این نوع تفسیر است.

تفسیر انحرافی، موجب برهم خوردن نظام دلالت‌های واژگانی قرآن کریم، پیدایش و رواج اندیشه‌های انحرافی، مسخ و تغییر آموزه‌ها و احکام قرآن کریم می‌شود. این گونه تفسیر، گاهی اوقات تا آنجا پیش می‌رود که موجب نفی و انکار مسلمات و ضروریات دینی می‌گردد، که در این صورت، می‌توان آن را « تفسیر الحادی » نامید.

خواهیم دید که تفسیر انحرافی، سرچشمه و پشتوانه پیدایش گروهها و فرقه‌های انحرافی مانند خوارج و غالبان گشته است. گاه تفاسیر انحرافی چنان خطرآفرین است که آن گروهها را به چنگ با مسلمانان وامی‌دارد. و در این حال، برای صیانت جامعه و دفاع از حریم مردم، پاسخ‌گویی مسلحانه به این گروهها ضرورت می‌یابد. همچنان که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام بنا به سفارش پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم با خوارج جنگید. آن حضرت - در بیان حکمت عمل خود که چرا

با افرادِ ظاهراً مسلمان می‌جنگد - فرمود:

« و لکنّا ائّما أصبحنا نقاتل إخواننا في الاسلام علی ما دخل فيه من الزيغ و الشبهة و التّأویل؛ ولی اکنون با برادران مسلمان خود می‌جنگیم؛ به دلیل کثری و انحراف و شبهه و تأویل (نادرست) که (به وسیله آنان) در اسلام راه یافته است. » (نهج البلاغه،

خطبه ۱۲۱)

آن حضرت در گفتاری روشنگر، به برخی از پیامدهای تفسیر انحرافی از سوی عالم نمایان پرداخته‌اند:

« از میان بندگان، [فرد] دیگری است که خود را دانشمند نامد در حالی که نشانی از دانش در او نیست. مشتئی افکار جاهلانه از جاهلان و گمراهیهایی از گمراهان فرا گرفته، بر سر راه مردم دامهای فریب گسترده و سخنان باطل گوید. و کتاب خدا را به رأی خود تفسیر می‌کند و حقیقت را به مقتضای هوای خویش به این سو و آن سو متمایل سازد. ... » (نهج البلاغه، خطبه ۸۶)

مقابله با تفاسیر انحرافی، در دوره حضور امامان معصوم، توسط ایشان صورت می‌گرفت. در دوره غیبت امام عصر ارواحنا فداه، در طول سده‌های گذشته، عالمان دینی این وظیفه را بر عهده گرفته و با نگارش کتابهای ارجمندی به دفاع از آموزه‌ها و احکام قرآن پرداخته‌اند. در حوزه امامیه، افزون بر تفاسیر عام تبیان شیخ طوسی و مجمع البیان امین الاسلام طبرسی، کتابهای ارزشمند حقائق التأویل سید رضی، امالی سید مرتضی و متشابهات القرآن و مختلفه از ابن شهر آشوب^(۱) در خور ذکر است.

۴. اسباب و زمینه‌های رویکرد انحرافی

از منظر روش‌شناسی تفسیر، چه اسباب و زمینه‌هایی می‌تواند در شکل‌گیری رویکرد انحرافی در تفسیر قرآن مؤثر باشد؟

به نظر می‌رسد عوامل مختلفی در شکل‌گیری برداشت‌های انحرافی از قرآن مؤثراند. عمل تفسیر، پیچیده‌ای است که اسباب گوناگونی در حصول آن دخالت دارد. بر این پایه اسباب پیدایش

۱ - برای آشنایی با مبانی و روش تفسیری ابن شهر آشوب، ر. ک. «نگاهی به تفسیر، ابن شهر آشوب» در آینه پژوهش، شماره ۸۱ (مرداد و شهریور ۱۳۸۲) از نگارنده.

انحراف در تفسیر به سه دسته بخش پذیر است.

۱-۴. ویژگی های متن مورد تفسیر

چنین می نماید که متن قرآن کریم دارای برخی ویژگی هاست که می تواند بهانه و دستاویزی برای برخی افراد در عرضه تفسیر انحرافی باشد.

به طور کلی وجود چهار امر، متن قرآن کریم را متنی ویژه ساخته است. ۱. آیات متشابه ۲. آیات متعارض نما ۳. روایات ذو وجوه بودن قرآن ۴. روایات مربوط به ظاهر و باطن و تفسیر و تأویل قرآن. انحراف در تفسیر تا آنجا که به متن قرآن کریم مربوط است، به ویژگی های یادشده برمی گردد. که لغزشگاههای مهم تغییر هستند. منشاء انحراف در تفسیر، پیروی از آیات متشابه، ناتوانی (یا تغافل) از سازواری دادن میان آیات متعارض ناست. از سوی دیگر به سبب وجود روایات ذو وجوه بودن قرآن و وجود ظاهر و باطن و تفسیر و تأویل برای آیات برخی گروهها و افراد کج اندیش - مانند غالیان و باطنیان - برداشتها و تفسیرهای انحرافی و ناروای خود را به قرآن نسبت داده و تفاسیری انحرافی عرضه کرده اند.

۲-۴. ویژگی های مفسر

بی گمان خصوصیات فردی مفسر و آراء و اندیشه های وی در محصول تفسیری وی مؤثر است. ویژگی های فردی را می توان به دو دسته تقسیم کرد.

۱-۲-۴. خصوصیات روحی و اخلاقی

به تصریح قرآن کریم، برخی از خصوصیات اخلاقی مانند کبر، بیمار دلی، انحراف، فسق و ظلم از اسباب زمینه ساز تفسیر الحادی و انحرافی است. قرآن کریم بر نور، هدایت و مایه شفا بودن خود برای مؤمنان تأکید می کند و به روشنی می گوید که: «و لا یزید الظالمین الا خساراً» (اسراء، ۸۲). در آیه ای کفر و فسق مایه گمراهی معرفی شده است. «... پس کسانی که ایمان آورده اند، می دانند که آن [مثل قرآنی] از جانب پروردگارشان بجا است؛ ولی کسانی که به کفر گراییده اند می گویند: «خدا از این مثل چه قصد داشته است؟» [خدا] بسیاری را با آن

گمراه، و بسیاری را با آن هدایت می‌کند. و جز فاسقان را با آن گمراه نمی‌کند.» (بقره، آیه ۲۶). به نظر می‌رسد که کفر مطرح در این قبیل آیات را باید در معنای عام و وسیع آن به کار گرفت. بر این پایه، کفر به قرآن ممکن است شامل کفر به مجموع قرآن یا بخشی از آن باشد. در حقیقت فردی که بجای «تصدیق» مضامین آیات الهی، آراء و اندیشه‌های شخصی خود را جایگزین مضمون آیه می‌کند و مدلول آیه را به دیدگاه مورد نظر «تأویل» می‌برد، به مضمون آیه مورد تفسیر، ایمان و اعتقاد ندارد.

در قرآن کریم، در مواردی، از تقابل مؤمنان با ظالمان و فاسقان در پذیرش آیات الهی سخن رفته و بر این نکته تأکید شده که مؤمنان و راسخان در علم، در برابر آیات خدا تسلیم می‌شوند، اما فاسقان و بیماردلان - از روی فتنه جویی و طلب تأویل دلخواه - از آیات متشابه قرآن پیروی می‌کنند. (بقره، ۲۶؛ آل عمران، ۷؛ عنکبوت، ۴۷)

۲ - ۲ - ۴. مبانی اعتقادی و تفسیری

مراد از مبانی تفسیری، آن دسته از پیش دانسته‌ها، پیش فرض‌ها، اعتقادات، باورها، دغدغه‌ها و سلاقی مفسر است که در تفسیر قرآن به طور مستقیم یا غیر مستقیم تأثیر می‌گذارد. سرچشمه بسیاری از انحرافهای تفسیری، وجود اشکال و انحراف در مبانی فکری و اعتقادی مفسر است.

مثلاً مفسری که در مبانی کلامی و اعتقادی خود به امکان رؤیت حسی باری تعالی اعتقاد پیدا کرده، ناگزیر از آیه «الی ربها ناظرة» (قیامت، ۲۳) تفسیری موافق با عقیده خود عرضه خواهد کرد. یا مفسری که معتقد به ضرورت تطبیق مضامین آیات قرآن باری ره‌آورد‌های اندیشه، ذوق و تجربه بشری در زمینه‌های مختلف مانند فلسفه، عرفان، روان‌شناسی، حقوق و اقتصاد است، طبعاً تفسیری همسو و هماهنگ با این مبانی تفسیری ارائه خواهد کرد. با توجه به این نکته، برای دستیابی به تفسیری معتبر از آیات، تنقیح مبانی و پیش فرض‌های، تفسیری، ضرورتی انکارناپذیر است.

گفتنی است نویسندگان علوم قرآنی، در بحث آداب و شرایط مفسر، به تأثیر ویژگی‌های

۳-۴. اشکال در روش تفسیری

افزون بر ویژگی‌های متون قرآن و خصوصیات فردی، مفسر و عامل سوم در بروز انحراف در تفسیر، وجود نقص، اشکال و انحراف در روش تفسیری است. منظور از روش یا منهج تفسیری، راه و روشی است که مفسر برای کشف و بیان مراد خدای تعالی در آیات قرآن برمی‌گزیند، که از سویی بر یک سلسله مبانی و پیش‌فرض‌های اولیّه و اصول و قواعد مورد پذیرش مفسر استوار است و از سوی دیگر از منابع و عناصر خاص بهره می‌گیرد. به تعبیر دیگر، روش تفسیری، شیوه تعامل یک مفسر با آیات قرآن به منظور کشف و بیان مدلول آنهاست.

از آنجاکه روش تفسیری و چگونگی تعامل مفسر با مصادر تفسیر، ارتباط مستقیم با فرآورده تفسیری وی دارد، وجود هرگونه نقص و اشکال در روش تفسیری موجب پیدایی آسیب و انحراف در تفسیر خواهد بود. با توجه به اینکه آسیب‌شناسی تفسیر، خود بحثی مستقل و نیازمند مکتوبی مستقل است، در اینجا تنها به دو اشکال اشاره می‌کنیم. از جمله عوامل انحراف در تفسیر، جزئی‌نگری مفسر به منابع تفسیر است. به این معنا که مفسر در تفسیر یک آیه، آیات دیگر را در نظر نگیرد یا در کنار آیات، از منبع سنت و احادیث معصومان بهره نجوید. برای رسیدن به تفسیری معتبر و قابل قبول، مجموعه‌نگری به معنای توجه به تمامی ادله و منابع تفسیر، ضروری است. اشکال دیگر در روش تفسیری، عدم پای‌بندی به ظهور عرفی واژگان و عبارات قرآن، و در نتیجه تأویل و کشاندن مضامین آنها به اهداف، آراء و اندیشه‌های شخصی است. همچنان‌که در ادامه نوشتار خواهیم دید، پای بند نبودن به ظهور عرفی، سبب ساز پیدایی انحراف در تفسیر گشته است. (۲)

۱- ر.ک. البرهان، ج ۲، ص ۱۵۴؛ الاتقان، ج ۲، ص ۳۵۱ (نواع ۱۷۸)؛ روش‌شناسی تفسیر قرآن، ص ۳۷۷.
۲- به تعبیر علامه مجلسی: «أول الاحاد سلوك التأويل من غير دليل» بحارالانوار، ج ۵۸، ص ۴۷. نیز: ر.ک. بیان علامه مجلسی در کتاب «الفوائد الطریفة فی شرح الصحیفة الشریفة» ص ۱۱۸ - ۱۲۱، ۱۵۲ - ۱۵۶، ۲۵۹ و ۲۸۵؛ بیان میرزا ابوالقاسم قمی در رساله رکنیه (مندرج در کتاب قم نامه) ص ۳۶۶ - ۳۶۷.

۵. حوزه‌های رویکرد انحرافی

در این بخش به حوزه‌های رویکرد انحرافی در تفسیر می‌پردازیم. پرسش مطرح این است که چه گروه‌ها، چه کسانی و در چه حوزه‌هایی به تفسیر انحرافی مبادرت کرده‌اند؟ به نظر می‌رسد که مهمترین حوزه‌های تفسیر انحرافی را به نحو زیر می‌توان رده‌بندی کرد. البته این اقسام جنبه حصری ندارد. با تتبع بیشتر، می‌توان حوزه‌های دیگر و همچنین گروه‌های دیگری در داخل حوزه‌های مورد بحث پیدا کرد.

۱- ۵. حوزه مخالفتان قرآن

نخستین زمینه قابل توجه، اقدامات مخالفان و دشمنان قرآن است که از زمان نزول قرآن به صورت‌های مختلف به معارضة و مقابله با قرآن پرداخته‌اند. کار مخالفان قرآن در سه زمینه زیر قابل بررسی است. نخستین کار مخالفان شبیه سازی در برابر قرآن است.

در طول سده‌های گذشته، مخالفان قرآن برای خاموش ساختن نور قرآن و ابطال اعجاز آن به معارضة با آن پرداخته، و در مقابل آیات و سور قرآن - به زعم خود - سوره‌هایی مشابه بر ساخته‌اند. (طبرسی، احتجاج، ج ۲، ص ۲۴۲)

اقدام دوم ادعای وجود موارد اختلاف و تناقض در قرآن است. علامه مجلسی در کتاب قرآن بحارالانوار، فهرست بلندی از این گونه آیات همراه با پاسخهای آنها را آورده است. (مجلسی، بحارالانوار، ج ۹۳، ص ۹۸)

اقدام سوم مخالفان، عرضه تفسیرهای الحادی و انحرافی بوده است. آنان به برخی آیات و عبارات قرآنی در تأیید اندیشه‌های الحادی خود استناد کرده‌اند. برای نمونه شیخ صدوق گزارش کرده که ابوشاکر دیصانی - که دوگانه‌پرست بوده - به هشام بن حکم گفت: در قرآن آیه‌ای هست که مؤید دیدگاه ماست! هشام گفت: کدام آیه؟ گفت: هو الّذی فی السماء إله و فی الارض إله. (زخرف، ۸۴) هشام که در برابر استدلال ابوشاکر، پاسخی نداشته است، در حج خدمت امام صادق علیه السلام رسید و تفسیر وی را مطرح ساخت. حضرت فرمود: « این سخن یک زندیق پلید است. » آنگاه حضرت تفسیر صحیح آیه را بیان فرمودند. (صدوق، توحید، ص ۱۳۳)

اقدامات تفسیری مخالفان اسلام در دوره‌های بعد از سالهای حضور ائمه علیهم السلام نیز ادامه یافت



و در این زمینه کتابهایی نگاشته شده که البته از سوی عالمان و اندیشمندان اسلامی نیز بی‌پاسخ نمانده است.

۲-۵. حوزه فرق

حوزه دوم در تفسیر انحرافی، حوزه فعالیت‌های تفسیری فرق است. طرفداران برخی فرق و گروه‌ها در روزگار قدیم و جدید - در راستای اثبات و دفاع از عقاید و آموزه‌های فرقه‌ای خود - به تفسیر انحرافی قرآن مبادرت کرده‌اند که در اینجا به برخی از فرق و نمونه‌هایی از تفسیرهای آنان اشاره می‌شود.

۱-۲-۵. غالیان

نخستین فرقه، غالیان‌اند که در جهت اندیشه‌های غالیانه خود، تفسیر انحرافی و الحادی عرضه کرده‌اند. در رجال کشی آمده است که هشام به امام صادق علیه السلام عرض کرد که بنان - یکی از غالیان - آیه «و هو الذی فی السماء إله و فی الارض إله (زخرف، ۸۴) را به این صورت تأویل کرده که، خدای زمین غیر از خدای آسمان و خدای آسمان غیر از خدای زمین است. و خدای آسمان بزرگ‌تر از خدای زمین است ... حضرت فرمود:

« به خدا سوگند: خدایی جز الله وجود ندارد که یگانه است و شریکی ندارد، همان خدای کسانی که در آسمان‌ها هستند و خدای کسانی که در زمین‌ها هستند. بنان - نفرین خدا بر او باد - دروغ گفته است...» (کشی، رجال، ج ۲، ص ۵۹۲، ش ۵۴۷).

یکی از اصحاب امام صادق علیه السلام به آن حضرت گفت: گروهی می‌پندارند که شما خدا هستید. در این رابطه آیه‌ای هم می‌خوانند:

« یا ایها الرسل کلوا من الطَّیِّبات و اعملوا صالحاً اَنتی بما تعملون علیم » (مؤمنون، ۵۱)

حضرت فرمود:

« سدیر! گوش و چشم و مو و پوست و گوشت و خون من، از اینان بیزار است. خدا و رسول او از ایشان بیزارند. اینان بر دین من و دین پدرانم نیستند...» (همان، ص ۵۹۴، ش ۵۵۱)



اسماعیلیه یا باطنیه، فرقه‌ای هستند که پس از امام صادق علیه السلام به امامت اسماعیل بن جعفر معتقد گشتند. (شهرستانی، ملل و نحل، ج ۱، ص ۱۴۰) از نظر باطنیه، قرآن و تمام شریعت، رموز و امثالی هستند که مراد و مقصود اصلی، حقایقی است که در ورای آنهاست. (شاکر، روش‌های تأویل قرآن، ص ۲۴۰) ناصر خسرو که خود از اسماعیلیان بود، گفته است: «شریعت ناطق، همه رمز و اشارت و مثل است. پس هر که مثال را معانی، و اشارات را رموز نداند، بی‌فرمان شود.» (وجه دین، ص ۱۸۰).
 بغدادی درباره تأویلهای باطنیه گوید: «باطنیه از آنجا که اصول دین را به شرک تأویل بردند، چاره کار را در آن دیدند که احکام شریعت را به وجوهی تأویل برند که به برداشته شدن شریعت منتهی شود.» (الفرق بین الفرق، ص ۲۵۳) باطنیان به اشخاص مقدسی با عناوین ناطق، اساس، امام، حجت و باب اعتقاد داشته و بسیاری از آیات قرآن را بر آنان تأویل می‌کنند. در اینجا به چند نمونه از تأویلهای ناهنجار این فرقه اشاره می‌شود.

ناصر خسرو در تأویل کلمه توحید گوید: «چهار کلیمه [کلمه] شهادت، دلیل است بر چهار اصل، هر کلمه برابر اصلی. «لا» دلیل است بر اساس خویش ... و کلیمه «اله» دلیل است بر ناطق که نخستین کسی بود که خلق را سوی پرستش خدای خواند از جسمانی، و این کلیمه سه حرف است. چنان که ناطق را سه مرتبه است: رسالت و وصایت و امامت ... و کلیمه «الا» دلیل است بر ثانی [نفس کل] ... و کلیمه «الله» دلیل است بر عقل کل که او نهایت همه مخلوقات است از لطیف و کثیف، همچنان که این کلیمه نهایت شهادت است.» (وجه دین، ص ۷۷-۷۸).
 جعفرین منصور یمن یا کلینی در تأویل آیه «هل ينظرون الا أن يأتيهم الله في ظلل من الغمام» (بقره، ۲۱۰) در کتاب الکشف، ص ۱۰۲ گوید: «خداوند خودش را در هفتاد هیکل برای دوستان خود آشکار می‌سازد و این هفتاد نفر، همان امامان و حجج و ابواب و داعیان هستند.» (شاکر، روش‌های تأویل قرآن، ص ۱۰۲).

۳ - ۲ - ۵ . بابیه و بهائیه

گروه انحرافی بابیه و بهائیه، جسورانه به تأویل آیات قرآن در جهت اندیشه‌ها و مقاصد خود اقدام نموده‌اند. در تفسیر آیه «إذا السماء انفطرت» (انفطار، ۱) در کتاب ایقان آمده است:

«مقصود، سماء ادیان است که در هر ظهور مرتفع می‌شود. و به ظهور بعد شکافته می‌گردد»

یعنی باطل و منسوخ می‌شود.» (نوری، ایقان، ص ۳۴)

وی، پس از جمله به مفسران که چرا آیه « فلا أقسم برّب المشارق و المغرب » (معارج، ۴۰) را بر خاورها و باخترهای زمین تطبیق کرده‌اند، سماء را به آسمان دیانت تفسیر می‌کند. و شمس و قمر را به معنای علوم و احکام و معارف الهی طلوع آنها را به معنای ظهور ادیان، و غروب آنها را به معنای گمراهی علما و نسخ شدن احکام شریعت سابق می‌گیرد. (همان، ص ۳۰-۳۳) در حقیقت طرفداران مذهب انحرافی بایسته که مذهب خود را نسخ دین اسلام می‌دانند. (همان، ص ۱۴۰) این دو آیه را بر وفق مشرب خود تأویل برده‌اند.

۴ - ۲ - ۵ . قادیانیه

این گروه، پیروان احمد قادیانی‌اند و او را مهدی موعود می‌دانند. (القادیانیه، ص ۱۹ و ۳۱) آنان در دفاع از اندیشه‌های انحرافی خود، از جمله به این آیه استناد می‌کنند: « ولو تقول علينا بعض الأقاویل * لأخذنا منه بالیمین * ثم لقطعنا منه الوتین » (حافه، ۴۶-۴۴). به پندار آنان، این آیه دلالت دارد که هر که به خدا دروغ بندد، هلاک می‌شود. و چون هیچ اتفاقی برای احمد قادیانی رخ نداده، پس عقاید او صحیح است! (همان، ص ۲۱۸)

۵ - ۲ - ۵ . مسلمون

فرقه مورد بحث دیگر، فرقه «المسلمون» یا «الجمهوریون»، پیروان محمود محمد طه هستند. وی در سودان ادعای پیامبری کرد و دعوت خود را «الرسالة الثانية» می‌نامید. (رومی، اتجاهات التفسیر، ج ۱، ص ۲۵۷). برای آگاهی از دیدگاه‌های این گروه، باید گفت که آنان معتقد به اندیشه‌های دو پایه‌ای هستند.

مثلاً می‌گویند: ایمان داریم و اسلام؛ دو عقل داریم؛ عقل ظاهر و عقل باطن؛ دو قیامت داریم؛ دو قسم ازدواج داریم: ازدواج انسان با انسان و ازدواج انسان با خدا! دو نوع صلوات داریم؛ دو خدا داریم؛ «الرحمن هو إله الارض و الله إله السماء و هما إله واحد»... (همان جا)

این گروه حکم حجاب را منکرند، و قائل به اباحیگری می‌باشند. محمود محمد گفته است:



« کَلِّمُوا السَّيْرَةَ ضَاقت دائرة المحرّمات و انداحت دائرة المباحات على قاعدة الآية الكريمة؛ ما يفعل الله بعذابكم إن شكرتم و آمنتم و كان الله شاكراً عليماً »؛ (نساء، ۱۴۷) هرگاه سیرت [انسان] درست و مستقیم شود؛ دایره محرمات تنگ شده و عرصه مباحات گسترش می یابد. بر طبق آیه «اگر سپاس گزارید و ایمان بیاورید، خدا را با عذاب شما چه کار! و خداوند سپاسگزار دانا است.» (همان، ص ۲۷۰)

وی می افزاید: هرگاه سالک به مرتبه نقاوت سریره و استقامت سیره رسید بر طبق آیه « لیس علی الذین آمنوا و عملوا الصالحات جناح فيما طعموا إذا ما اتقوا » (مائده، ۵۳) تمامی اعیان محسوس بر او حلال می گردد. (همان جا)

وی همچنین درباره آیه « و إن تتولّوا یستبدل قوماً غیرکم ثم لا یكونوا أمثالکم » (محمد ﷺ، ۳۸)، گوید: « در این آیه اشارت بسیار لطیف است بر اینکه مسلمین (طرفداران فرقه مسلمون) پس از مؤمنین می آیند و از آنان بهتر خواهند بود. » (هان جا)

۳-۵. حوزه عرفان و تصوّف

عارفان مسلمان، از جمله گروههای فکری در جهان اسلام هستند که با مبانی و روشهای تفسیری خود و با رویکردی ویژه به تفسیر قرآن پرداخته اند. درباره ارزش و اعتبار تفاسیر عرفانی از قرآن، دیدگاههای مختلفی ابراز شده است. برخی بر آنند که گفته های صوفیان در باب آیات قرآن، اساساً تفسیر نمی شود. بلکه صرفاً یافته های درونی و رهیافتهای شخصی است که در مواجهه با آیات ابراز شده است. (۱)

این دیدگاه - دست کم درباره بخش عظیمی از تفاسیر صوفیان - ناصواب به نظر می رسد. تأمل در لحن و سبک و سیاق تفاسیر عرفانی، نشانگر تلاشهای فکری عارفان در ایضاح و تبیین معانی آیات قرآن و کشف و بیان مقاصد آن است. و تفسیر چیزی جز کشف و بیان معانی

۱ - البرهان، ج ۲، ص ۱۷۰، پرواز در ملکوت (شرح و تفسیر آداب الصلاة) ج ۲، ص ۱۱۴ کیهان اندیشه شماره ۳۹ (مصاحبه با آیه الله جوادی آملی)، ص ۱۲ و ۱۳؛ تعلیقات ابوالعلا عقیلی بر فصوص الحکم (ضمیمه فصوص)، ص ۳۸، ۴۰، ۴۶، ۵۷، ۹۸، ۱۰۲، ۱۲۶، ۱۳۵، ۱۶۳، ۱۶۴.

قرآن نیست.

عارفان در عرضه، تبیین و اثبات آراء و مواضع عرفانی خود، دائماً به آیات استناد می‌کنند.^(۱) استناد به آیات، زمانی مفهوم پیدا می‌کند که شخص مفسر با روشی مقبول به تفسیری ضابطه‌مند و برداشتی قاعده‌مند از آیه‌ای دست یابد و مراد الهی از آیه را بیان نماید، آنگاه در اثبات دیدگاه خود به آن آیه استشهاد کند. با این وصف، هرگاه تفسیری کاشف از مراد الهی نبوده و صرفاً بیانگر ذوقیات شخصی مفسر باشد، چگونه می‌تواند مؤیدی شرعی برای دیدگاه‌های عرفانی مفسر تلقی شود؟ به تعبیر دیگر هرگاه عارفان مسلمان بر این باور باشند که تفسیرهای آنان از آیات قرآن نه تفسیر و بیان مراد الهی که تنها برداشتها و رهیافتهای شخصی است، طبعاً استنادی قاعده‌مند به کلام خدا شکل نگرفته است و از این روی عارفان نمی‌توانند ادعا کنند که آراء و اندیشه‌های آنان برگرفته و مستند به قرآن و حدیث است.

واقعیت این است که عارفان به مستند بودن آرای خود به کتاب و سنت بس پای فشرده‌اند. برای مثال، سید حیدر آملی تصریح کرده که مأخذ و سرچشمه تعلیم صوفیان قرآن کریم و احادیث پیامبر و ائمه معصومین علیهم‌السلام است. (آملی، جامع الاسرار، ص ۲۲۲)

این عربی در توجیه اشاری بودن بیانات تفسیری عارفان، دلیل استفاده از این شیوه را مخالفت علمای رسمی (فقیهان و متکلمان) با عرفا دانسته و تأکید کرده است:

« فکلا مهم فی شرح کتابه العزیز الذی لا یأتیه الباطل من بین یدیه و لا من خلفه اشارات و ان کان ذلك حقیقة و تفسیراً لمعانیه النافعة. » (ابن عربی، الفتوحات المکیة، ج ۴، ص ۲۶۴)

از نظر وی همچنان که اصل تنزیل کتاب بر پیامبران از سوی خداست، تنزیل فهم بر دل‌های برخی مؤمنان نیز از سوی خداست. و از آن جا که اصل کتاب از سوی خداست، پس اهل الله (عرفا) که به آن عمل می‌کنند، به شرح آن و بیان آنچه خداوند در آن نازل کرده، سزاوارترند.

بنابراین شرح کتاب نیز به سان اصل به تنزیل از سوی خدا بر دل‌های عارفان خواهد بود.^(۲) از سوی دیگر عارفان، برداشتهای مفسران دیگر از قرآن را، سطحی، ظاهری، لفظی و شامل

۱- و در بیان استناد خود، از تعبیری مانند الدلیل علی... هو قوله تعالی، هذا معنی قوله، لقوله تعالی یشهد بذلك قوله تعالی و مانند آن برای نمونه ر.ک. جامع الاسرار، ص ۱۲، الفتوحات المکیة، ج ۲، ص ۱۷۸.

۲- همان، ص ۲۶۹ و ۲۶۸. ر.ک. فصوص الحکم، ص ۱۲۲-۱۲۳، فصّ شعبی.

پوسته قرآن می‌دانند و برداشتهای خود را عمقی و حقیقی می‌شمارند. از جمله حکیم عارف صدرالدین شیرازی بر آن است که دو گونه فهم از قرآن وجود دارد: ۱. فهم متعارف مفسران که «فهم عن الکلام» است. در این نوع فهم، از معنای ظاهری و لغوی واژگان و عبارات کلام به مدلول آن می‌رسند. از دیدگاه ملاصدرا این نوع فهم، فهم حقیقی نیست. آنچه مطلوب است، فهم حقیقی - یعنی «فهم عن المتکلم» - است؛ که در آن، شخص عارف مستقیماً حقایق و مقاصد قرآن را از خداوند می‌گیرد. و کلام الهی بر قلب وی نازل می‌شود. (صدرالمآلهین، مفاتیح الغیب، ص ۶۶) طبق این سخن ملاصدرا، گفته‌های عارفان درباره آیات و مفاهیم قرآن، نه تنها بیانگر حقایق و مقاصد قرآن است، بلکه از تفسیرهای مفسران متعارف نیز بسی ارزشمندتر است. بر این پایه نمی‌توان گفت که سخنان عارفان در ذیل آیات، تفسیر شمرده نمی‌شود.

به هر روی، برخی از پژوهشگران علوم قرآنی برای پذیرش تفسیرهای عرفانی شروطی برشمرده‌اند:

۱. تفسیر عرفانی با معنای نظم قرآن ناسازگار نباشد.
 ۲. مفسر ادعا نکند که تفسیر عرفانی وی تنها مراد آیه است و ظاهر آن مراد نیست.
 ۳. تفسیر عرفانی، معارض شرعی یا عقلی نداشته باشد.
 ۴. مؤیدی شرعی تفسیر عرفانی را تأیید کند. (زرقانی، مناهل العرفان، ج ۱، ص ۵۴۹)
- با توجه به شرایط یادشده و با عنایت به آنچه در تعریف تفسیر انحرافی گفته شد، تفسیرها، تأویل‌ها و تطبیق‌های صوفیان - در صورتی که مغایر با احکام و اهداف قرآن و مستلزم نفی و افکار مسلمات دینی گردد - بی‌گمان مصداق تفسیر انحرافی است.
- به دلیل کثرت تفاسیر عرفانی، در اینجا به چند نمونه بسنده می‌شود. عارف نامدار ابن عربی، از جمله عارفانی است که در مواضع متعدد از آثار خود، برخی آیات را بر اندیشه‌های عرفانی خود تطبیق کرده است. اندیشه وحدت وجود، محوری‌ترین مسأله در سنت تصوف او است و، همواره می‌کوشد که این نظریه را از قرآن استخراج کند. تلاشهای وی، در مواردی به گونه‌ای است که به برداشتهای واژگونه از برخی آیات منجر شده است. آیه‌ای که درباره شرک است، برداشت توحیدی شده و آیه‌ای که در باب اهل فسق و معصیت است به اهل قرب و منزلت تأویل برده شده است.

این عربی در تفسیر آیه « مالك يوم الدين » (حمد، ۴) تصریح کرده که در قیامت، سرانجام با شفاعت الهی همه اهل جهنم نجات پیدا خواهند کرد و عذاب و عقابی نخواهد بود و جهنم به بهشت و نعمتهای آن بدل خواهد گشت. (۱)

وی در تفسیر آیه « لقد كفر الذين قالوا إنّ الله هو المسيح بن مريم » (مائده، ۱۷ و ۷۲) تأکید می‌کند که دلیل کفر کسانی که خدا را همان مسیح دانستند، این بود که حق تعالی را در هویت مسیح منحصر کردند، در حالی که خداوند محصور در شیء نیست. بلکه او مسیح و تمام عالم است. (۲)

وی در تفسیر آیه « ممّا خطيئاتهم أغرقوا فأدخلوا ناراً فلم يجدوا لهم من دون الله أنصاراً » (نوح، ۲۵)؛ می‌گوید: « گناهانشان آنان را راه برد و در دریای علم بالله که همان حیرت است غرق شدند. و در آتشی در سرچشمه آب در محمدین داخل کرده شدند » فلم يجدوا لهم من دون الله أنصاراً « پس خداوند خود یارشان بود که تا ابد در او فانی گشتند. » (۳)

ابن عربی همچنین در فصوص، همگان را مصیب و مأجور و سعادت‌مند دانسته است. (۴)

۴-۵. حوزه فعالیت‌های تجدد مآبی

این حوزه شامل فعالیت‌های تفسیری تمام کسانی است که به بهانه تعارض علم و دین یا تعارض احکام حقوقی قرآن با حقوق بشر و نیز در جهت تطبیق قرآن با علوم و اندیشه‌های روز، تفسیری از آیات ارائه کرده‌اند که در مواردی مستلزم نفی و انکار برخی مسلمات دینی است. نمونه این تفاسیر، تفسیر الهدایة و العرفان فی تفسیر القرآن بالقرآن است که منکر پاره‌ای از احکام و مسلمات دینی شده است.

نویسنده تفسیر یاد شده درباره روش تفسیری خود گفته است که وجود آفات و احادیث موضوعه در روایات تفسیری باعث شده که وی روش تفسیر قرآن به قرآن را در پیش بگیرد ... تا



۱ - الفتوحات المکیة، ج ۲، ص ۲۰۰؛ ر. ک. فصوص الحکم، فص یونسی، ص ۱۶۹.

۲ - فصوص الحکم، فص عیسوی؛ ر. ک. شرح کاشانی بر عبارات فصوص.

۳ - فصوص الحکم، فص نوحی، ص ۷۳.

۴ - همان، فص هودی، ص ۱۱۴. « فالکلّ مصیب و کلّ مصیب مأجور و کلّ مأجور سعید و کلّ سعید رضی عنه و ان شقی زماناً فی الدار الاخرة ». برای ملاحظه موارد دیگری از تفسیرهای عرفانی ر. ک. مکتب تفسیر ارشادی، سلیمان آتش.

قرآن خود را تفسیر کند، همچنان که خداوند خبر داده است. و به امری بیرونی جز واقعیت خارجی - که قرآن بر آن تطبیق می‌کند - نیازمند نباشد. (ذهبی، التفسیر و المفسرون، ج ۲، ص ۵۸۵)

برخی از تفسیرهای ناروای او عبارتند از:

الف. انکار معجزات پیامبران

نویسنده الهدایة و العرفان درباره معجزه حضرت موسی علیه السلام در آیه «و أوحینا إلی موسی إذ استسقاہ قومه أن اضرب بعصاک الحجر فانجست منه اثنتا عشرة عیناً» (اعراف، ۱۶۰) گفته است: «صحيح است که [بگوئیم] حجر نام مکان، موضعی است. و معنای «اضرب بعصاک الحجر» آن است که به آن مکان راهی شو و به آنجا برو. غرض آنکه خداوند، موسی را به موضع آب و چشمه‌های آن رهنمون شد.» (همان، ص ۵۸۹)

ب. انکار ملائکه، جنّ و شیطان

وی ملائکه را رسولان نظام هستی و عالم سنن الهی دانسته است. سجده فرشتگان به انسان نیز بدین معنا است که جهان هستی در تسخیر انسان است. (همان، ص ۵۹۳)

نویسنده الهدایة و العرفان در تفسیر خود، به انکار حد سرقت و حد زنا پرداخته و حکم شرعی ربا را تنها در ربای فاحش حرام دانسته است. افزون بر اینها وی دیدگاههای خاصی درباره تعدد زوجات، زکات و مصارف زکات ابراز داشته است. (همان، ص ۵۹۸-۵۹۵)

در کشور ما نیز برخی از افراد تحت تأثیر افکار کمونیستی به برداشتهای انحرافی از قرآن پرداخته‌اند.

استاد مطهری در مقدمه کتاب علل گرایش به مادیگری، بحثی را به ماتریالیسم در ایران اختصاص داده و با ذکر نمونه‌هایی از تفاسیر یکی از گروههای انحرافی معاصر، به نقد دیدگاههای آنان پرداخته است. گروه یاد شده در تفسیر آیه «الذین یؤمنون بالغیب و یقیمون الصلاة و ممّا رزقناهم ینفقون» (بقره، ۳) نوشته‌اند:

«مفسرین، غیب را آنچه که دیدنی نیست، اعم از خداوند یا فرشتگان و... از این قبیل دانسته‌اند؛ حال آنکه اولاً خداوند و فرشتگان و... غیب نیستند، ثانیاً با طرح عنوان متقین، مسأله ایمان به خدا مطرح شده و گذشته است. منظور از غیب معهود در شناخت شده، همان مراحل ابتدایی رشد انقلاب توحیدی و زمان انجام تحولات کمی است.» (مطهری، مجموعه آثار، ج ۱،

گروه یاد شده در تفسیر آیه « و بالآخرة هم یوقنون » (بقره، ۴) نیز گفته‌اند:
 « اینان به نظام برتر در مرحله شهادت انقلاب یقین دارند و می‌دانند که این
 موضعگیری‌های خاص و این روش انقلابی، سرانجام آنان را به هدف خویش که رسیدن به
 نظام برتر است، می‌رساند... » (همان، ص ۴۶۶).

۵-۵. حوزه کار خاورشناسان

برخی از خاورشناسان به مقتضای انگیزه‌ها و رویکردهای خاص خود در مطالعات قرآنی،
 مرتکب پاره‌ای تفسیرهای انحرافی از آیات قرآن شده‌اند. برای نمونه ژاک. بیرک مترجم قرآن به
 زبان فرانسه، حرمت شرب خمر را مضحک خوانده و درباره تعدد زوجات گفته است: « هرگاه
 سوره نساء را برای شما تفسیر کنم، برایتان آشکار خواهد شد که این سوره ضد تعدد زوجات
 است. ولی نکته مهم‌تر آن زن است که نصف ارث مرد بوده و شهادت زن که پایین‌تر از گواهی
 مرد است. این امر غیر مقبولی است که در قرآن هست لیکن بایسته است که در واقعیت
 (خارجی) وجود نداشته باشد. (عزوزی، دراسات فی الاستشراق و مناهجه، ص ۱۸)

خاورشناس معروف گلدزیهر دو منبع داخلی و خارجی برای معارف دینی پیامبر
 اسلام ﷺ قائل شده و گفته است:

« تبلیغ پیامبر عربی، تنها آمیزه و گزینشی از معارف و آرای دینی بود که آنها را به برکت
 ارتباط با عناصر یهودی و مسیحی شناخت. عناصری که از آنها عمیقاً متأثر شد و شایسته
 دید که در ابنای وطن خود، احساس دینی صادقی را بیدار کند. و این تعالیم که از آن عناصر
 بیگانه اخذ کرد در وجدانش برای شناسایی صبغهای از حیات در گرایش‌های که خدا آن را
 می‌خواهد ضروری بود. [پیامبر] با این اندیشه‌ها چندان تحت تأثیر قرار گرفت که به اعماق
 وجودش رسید و آنها را با وحی نیروی تأثیرات خارجی شناخت! پس آن اندیشه‌ها به عقیده
 بدل گشت که در قلب وی جای گرفت. همچنانکه این تعالیم و آموزه‌ها وحی الهی شمرده
 می‌شود. » (۱)

۱ - العقيدة و الشريعة فی الاسلام، ص ۱۲ به نقل از مناهج المستشرقین ج ۱، ص ۳۱. برای مطالعه درباره

خاورشناس یاد شده در عبارات فوق سرچشمه الهی وحی به پیامبر اسلام را منکر شده و برای معارف الهی پیامبر منابعی بیرونی (تعلیم از اهل کتاب) و درونی (احساس عمیق) قائل شده است.

منابع :

- قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند.
- آتش، سلیمان، مکتب تفسیر ارشادی، ترجمه توفیق سبحانی، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۱ ش.
- آملی، سید حیدر، جامع الاسرار و منبع الانوار، تحقیق عثمان یحیی و هانری کربن، انیستیتوی ایران و فرانسه، ۱۳۴۷ ش.
- ابن عربی، الفتوحات المکیه، تحقیق عثمان یحیی، مراجعه ابراهیم مذکور، قاهره، ۱۴۰۱ ق.
- ابن عربی، فصوص الحکم، باتعلیقات ابوالعلاء عقیفی، دارالکتاب العربی، بیروت.
- بابائی، علی اکبر و همکاران، روش شناسی تفسیر، قرآن، زیر نظر محمود رجیبی، پژوهشکده حوزه و دانشگاه و سازمان مطالعه تدوین کتب علوم انسانی، ۱۳۷۹.
- بغدادی، عبدالقاهر، الفرق بین الفرق، به کوشش ابراهیم رمضان، دارالمعرفه، بیروت.
- ذهبی، محمد، التفسیر و المفسرون، دار احیاء التراث العربی، دوم: ۱۳۹۶ ق.
- رومی، فهد، اتجاهات التفسیر فی القرن الرابع عشر، ریاض.
- زرقانی، عبدالعظیم، مناهل العرفان فی علوم القرآن، مؤسسة التاریخ العربی، بیروت، ۱۴۱۲ ق.
- زرکشی، برهان الدین، البرهان فی علوم القرآن، دارالکتب العلمیة، بیروت.
- سیوطی، جلال الدین، الاتقان فی علوم القرآن، تحقیق محمد سالم هاشم، دارالکتب العلمیة، بیروت، چاپ اول، ۱۴۲۱ ق.
- شاکر، محمد کاظم، روشهای تأویل قرآن، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی قم.



- شرفاوی، محمد، الاستشراق، دراسات تحلیلیة تقویمیة، دارالفکر العربی.
- شریف رضی، نهج البلاغه، ترجمه عبدالمحمد آیتی.
- شهرستانی، محمد الممل و النحل، به کوشش ابو عبدالله سعید مندوه، مؤسسه الکتب الثقافیة، ۱۴۱۵ ق.
- صدر المتألهین، مفاتیح الغیب، تحقیق محمد خواجهوی، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- صدوق، محمد، التوحید، تحقیق سید هاشم حسینی تهرانی، جامعه مدرسین، قم.
- صدوق، محمد، الخصال، تحقیق علی اکبر غفاری، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- صدوق، محمد، عیون أخبار الرضا علیه السلام، تحقیق سید مهدی حسینی لاجوردی، قم، ۱۳۶۳ ش.
- صدوق، محمد، کمال الدین و تمام النعمة، تحقیق علی اکبر غفاری، مکتبه الصدوق، تهران، ۱۳۹۰ ق.
- صدوق، محمد، معانی الاخبار، تحقیق علی اکبر غفاری، انتشارات اسلامی.
- طبرسی، فضل، جوامع الجامع، تحقیق و نشر، دفتر نشر اسلامی، قم.
- طبرسی، محمد، الأمالی، تحقیق واحد تحقیقات اسلامی، مؤسسه بعث، دارالشفافه، قم.
- طوسی، محمد، التبیان، تصحیح احمد شوقی الامین و احمد حبیب قصیر، مکتبه الامین، نجف اشرف.
- ظاهر عاملی، سلیمان، القادیانیة، تحقیق سید محمد حسن طالقانی، چاپ اول، ۱۴۲۰ ق.
- عزوزی، حسن، دراسات فی الاستشراق و مناہجه، چاپ اول، ۱۴۱۹ ق.
- فهری، سید احمد، پرواز در ملکوت (شرح و تفسیر آداب الصلاة امام خمینی)، مؤسسه تحقیقاتی و انتشاراتی فیض کاشانی، ۱۳۷۳ ش.
- قمی، ابوالقاسم، رساله رکنیه، (مندرج در کتاب قم نامه) به کوشش سید حسین مدرس طباطبایی، قم کتابخانه آیه الله مرعشی، ۱۳۵۳.

- كشى، اختيار معرفة الرجال، تلخيص : شيخ طوسى، تحقيق سيد مهدى رجائى، مؤسسه آل البيت، ١٤٠٤ ق.
- كلينى، محمد، الكافى، تحقيق على اكبر غفارى، دار الكتب الاسلاميه.
- كمالى، سيد على، شناخت قرآن، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامى، ١٣٦٩ ش.
- مجلسى، محمد باقر، بحار الانوار، دارالكتب الاسلاميه، ايران.
- مجلسى، محمد باقر، الفوائد الطريفة فى شرح الصحيفة الشريفه، تصحيح : سيد مهدى رجائى، اصفهان، كتابخانه علامه مجلسى، ١٤٠٧ ق.
- مجلسى، محمد باقر، مشكوة الانوار، تصحيح : عبدالحسين طالعى، اصفهان، حسينيه عمادزاده، ١٤١٢ ق.
- مطهرى، مرتضى، علل گرايش به مادىگرى (مجموعه آثار ج ١)، انتشارات صدرا.
- معرفت، محمد هادى، تفسير و مفسران، مؤسسه فرهنگى التمهيد، چاپ اول، ١٣٨٠ ش.
- مفيد، محمد، امالى، تحقيق حسين استاد ولى و على اكبر غفارى، جامعه مدرسین قم.
- مكارم، ناصر، تفسير به رأى، قم : مطبوعات هدف.
- مناهج المستشرقين فى الدراسات العربيه الاسلاميه (مجموعه مقالات)، المنظمة العربيه و الثقافة العلوم و نكتة التربية العربى النهيج، ١٩٨٥ م.
- ناصر خسرو، وجه دين، به كوشش ت. ارانى، انتشارات كاويانى، بى جا، بى تا.
- نورى، حسينعلى، ايقان، چاپ فرج الله زكى، مصر.
- يمن، جعفر، كتاب الكشف، دارالفكر العربى، قاهره.
- الاحتجاج، احمد بن على طبرسى، تحقيق سيد محمد باقر خراسان، دار النعمان.